

زبور صالحان

در کلام دیگران

زندگی و سیره امام سجاد علیہ السلام

حبیب الله تقیان

تقیان حبیب الله ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: زیور صالحان در کلام دیگران / حبیب الله تقیان: -
قم: حسین علیہ السلام ۱۳۸۹.

۲۸۸ ص.

ISBN: 978 - 600 - 5771 - 08 - 4

۲۵۰۰۰ ریال:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

موضوع: زندگی نامه امام زین العابدین علیہ السلام

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. امام زین العابدین علیہ السلام ۲. سرگذشتنامه - جنبه های اخلاقی - اسلام. سیره عملی

۳. رساله حقوق امام سجاد (ع) ۴. احادیث ۵. تاریخ و فهرست. الف. عنوان.

۱۳۸۹

۲۹۹/۴۹۷

BP۲۳۱/۱۳/۷ک۸



زیور صالحان

زندگی و سیره امام سجاد

ناشر: انتشارات حسین علیہ السلام

مؤلف: حبیب الله تقیان

لیتوگرافی: اهل بیت علیہ السلام

چاپ: محمد

شمارگان: ۳۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، زمستان، ۸۹

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

مرکز پخش: قم: بلوار شهید محمد منتظری علیه السلام کوچه ۱۸ پلاک ۸

تلفن ۷۷۴۷۲۹۷-۲۹۲۴۷۹۳ / همراه ۰۹۱۲۳۵۳۲۸۱۶

صندوق پستی: ۳۷۱۳۵-۱۱۷۹

کلیه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۱
فصل اول: میلاد مسعود	
بخش اول: میلاد مسعود	۱۹
شهر بانو	۲۰
بخش دوم: اسماء و القاب آن جناب	۲۶
نقش نگین آن حضرت	۳۰
بخش سوم: اعتراف به فضل او توسط دشمنان!	۳۱
بخش چهارم: نص بر امامت وی	۳۵
تحویل و دایع امامت	۳۶
مورایث انبیاء	۳۷
فصل دوم: اخلاق	
بخش اول: عبادت	۴۳
الف: عبادت خاشعانه و خاضعانه	۴۳
ب: عبادت عاشقانه	۴۹
ج: عبادت برای شکر خدا	۵۰
د: عبادت او عالمانه بود	۵۴
ر: عبادت خالصانه	۵۵
س: ادب در عبادت پروردگار	۵۵
بخش دوم: حج در زندگی امام سجاد علیه السلام	۵۸
خدمت به زائرین خانه خدا	۵۹
نان نخوردن به خویشی رسول خدا صلی الله علیه و آله	۵۹

- از آداب سفر آن جناب ۶۰
- از مناجات آن حضرت گردد کعبه ۶۲
- هیبت و ضلوت ۶۳
- قصیده فرزدق ۶۶
- بخش سوم: صدقات امام زین العابدین علیه السلام ۷۰
- الگوپذیری از علی علیه السلام ۷۳
- بخش چهارم: تربیت غلامان ۷۷
- نتایج رفتار امام سجاده علیه السلام ۸۰
- روش بنده پروری ۸۳
- شخصیت دادن به کنیزان ۸۷
- درسی برای خانواده ها ۸۸
- نتیجه تربیت ۸۸
- منابع مالی امام زین العابدین علیه السلام ۸۹
- بخش پنجم: حلم و بردباری ۹۲
۱. چیره شدن بر خشم ۹۲
۲. بزرگواری در برابر بیهوده گویی ۹۳
۳. دفع بدی به خوبی ۹۴
۴. درخواست کفر از غلام ۹۵
۵. بخشش هنگام قدرت ۹۶
۶. احسان در مقابل تقصیر ۹۷
۷. حکمت در برابر جهل ۹۸
۸. تسلیم در برابر قضا و قدر الهی ۹۹

۹. همنشین با بی‌چارگان	۱۰۰
۱۰. نرم‌خویی	۱۰۱
بخش ششم: پاره‌ای از اوصاف آن جناب	۱۰۲
زهد علی بن الحسین (علیه السلام)	۱۰۲
لباس آن جناب	۱۰۵
صدای دل‌ریا	۱۰۶
راه رفتن آن حضرت	۱۰۷
پرهیز از استماع لغو	۱۰۸
تشویق طلاب علوم	۱۰۹
اخلاق او با مادرش	۱۱۰
در برخورد با اقوام	۱۱۱
بخش هفتم: امانت‌داری	۱۱۳
ودیعه گذاشتن تازی از عباى خود	۱۱۳
داستان حاجب بن زراره	۱۱۴
نهی از غلو دوستان	۱۱۵
بخش هشتم: شجاعت	۱۱۷
خطبه امام زین العابدین (علیه السلام)	۱۱۸
بخش نهم: گریه بر مصائب پدر	۱۲۵
استجاب تفرین حضرت به قاتلین پدر	۱۲۸
تنها تبسم او	۱۲۹
سجده بر تربت پدر	۱۳۰

فصل سوم: معجزات

۱۳۱	پیر مرد بلخی
۱۳۶	قصه دختری جن زده
۱۳۸	تسبیح اعظم
۱۳۹	اتراق در محل جنیان
۱۴۰	رب نائم
۱۴۰	کودکی در راه مکه
۱۴۲	گم شدن در راه مکه
۱۴۵	ویران کردن کعبه توسط حجاج ملعون
۱۴۶	نصب حجر الأسود
۱۴۷	حکمت حجر الأسود
۱۵۰	احترام اولیاء خدا
۱۵۱	استجاب دعای او
۱۵۳	استجاب نفرین او در مورد ضمره بن سمره
۱۵۴	گرگی سر راه مردم
۱۵۵	دستان چسبیده برهم
۱۵۵	پناه گرفتن آهوبه آن حضرت
۱۵۶	ألفت روباه با آن جناب
۱۵۷	گفت و گوی بز و بزغاله
۱۵۸	سخن گنجشکان
۱۵۸	ارتباط با پیامبر ﷺ
۱۶۰	خلاصی از غل و زنجیر

۱۶۱	نان‌های پر برکت
۱۶۵	پیش‌گویی نسبت به عمرو بن عبدالعزیز
۱۶۵	صورت زیبا سیرت حیوان
۱۶۶	سزای دشنام دادن به علی
۱۶۶	عبدالله بن عمر
۱۶۸	مرد منجم
۱۶۹	مقام ابراهیم خلیل علیه السلام
۱۷۰	ملاقات با خضر
۱۷۱	خبیر دادن از خواب زهری
۱۷۳	افتادن فرزند آن حضرت در چاه
۱۷۴	برگشت به جوانی
۱۷۴	شفاء برص
۱۷۵	ام سلیم صاحبة الحصاة
۱۷۶	سنگریزه مهر شده
۱۷۷	خسد نسبت به صحیفه سجادیه
۱۷۸	گفتاری با حسن بصری
	فصل چهارم: شهادت آن جناب
۱۷۹	شهادت آن جناب
۱۸۰	نشیب وصال
۱۸۱	هنگام جان دادن
۱۸۲	غسل آن حضرت
۱۸۲	تشیع جنازه

۱۸۴	شتر آن جناب
	فصل پنجم: اولاد و اصحاب آن حضرت
۱۸۷	بخش اول: اولاد آن حضرت
۱۹۰	بخش دوم: اصحاب امام سجاده علیه السلام
۱۹۲	ابو خالد کابلی
۱۹۵	داستان زهری
	فصل ششم: گزارش اوضاع کشور اسلامی در عهد امام سجاده علیه السلام
۱۹۹	بخش اول: انحطاط اخلاقی و فرهنگی
۲۰۰	خنیاکری و می‌گساری
۲۰۲	امام علیه السلام در اسارت دشمن
۲۰۶	بخش دوم: حاکمان عصر او
۲۱۷	نمونه‌هایی از جنایات حجاج
۲۲۰	داستان زیبایی از دختر حلیمه سعدیه دایه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۲۲۶	بخش سوم: قیام مختار
۲۲۸	آغاز قیام و پیروزی مختار
۲۲۹	شورش اشراف کوفه
۲۳۳	بخش چهارم: علل کناره‌گیری امام سجاده علیه السلام از سیاست
۲۴۰	شرایط نامساعد تشکیل حکومت
۲۴۴	راهنمایی خلفاء
	فصل هفتم: رساله حقوق امام زین العابدین علیه السلام
۲۴۷	بخش اول: رساله حقوق امام زین العابدین علیه السلام
۲۷۰	بخش دوم: حکمت‌های سجاده

«كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ»

اخلاق او تجسمی از قرآن بود.^۱

اگر از معاصرین امام سجاد علیه السلام اعم از دوست و دشمن، شیعه و سنی، عالم و جاهل، مخالف و موافق، سؤال شود: علی بن الحسین، زین العابدین علیه السلام را چگونه یافتید؟

آنان در جواب سؤال فوق، هر کدام به میزان معرفت خود نسبت به آن جناب، با تعبیرهای مختلف خواهند گفت:

- اخلاق او اخلاق قرآن، و در حقیقت، یکایک آیات کلام خدا را به عمل ترجمان بود.

- او قرآن مجسم بود.

- در مقایسه با جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام او نسخه مطابق اصل بود.

- در احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله احدی او را هماورد نبود و بهترین اعمال را نزد خداوند، عمل به سنت رسول صلی الله علیه و آله می دانست؛ اگر چه اندک باشد.

- نماز و عبادت او یادآور نماز و عبادت رسول خدا و امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود.
 - قبل از آن که به زبان، مردم را سوی خدادعوت کند. با کردار و عمل خویش، داعی إلى الله و مصداق حدیث شریف: «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»^۱ بود.

- در یک کلام، خداوند با صفات خود، در وی تجلی کرده و نمونه کامل متخلق به اخلاق الله بود.

- او بر مظلومیت پدر بزرگوارش تمام عمر گریست و با این کار، یاد و خاطره آن شهید را زنده نگه داشت.

- امام سجاده (علیه السلام) احیاگر اخلاق عظیم پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود و با سیرت و کردار نیکوی خود، خاطره دوران او و امیرمؤمنان (علیه السلام) را در ذهن ها تجدید کرد.

- هرگز جواب کسی (نه) نمی گفت و تا امکان داشت، احتیاجات مردم را برآورده می ساخت.

- او چنان با حیا بود که هیچگاه به چشمان کسی خیره نمی شد، و پیوسته چشمانی فرو خفته داشت.

- در اثر هیبت و اُبّهتس، کسی را یارای نگاه دیدگان وی نبود، و جز هنگام تبسم با او سخن نتوان گفت.

- آن جناب، از نظر ظاهر، مردی لاغر اندام می نمود و چهره مهر باش همانند آئینه درخشان و جبین مبارکش پینه بسته، آثار خضوع و خضوع در برابر حق (جل جلاله) از سراسر پیکرش آشکار بود.

این تعابیر گوناگون، حاکی از فضائل، مناقب و اوصاف آن جناب هست؛ اما حقیقت وجودی ائمه اطهار (علیهم السلام) فراتر از آن است که بشود با کلماتی این

چنین تعریف شود.

امامت شأن والاّیی است و نمی توان با عقل و درک بشر عادی به عمق معرفت آن دست یافت.^۱

خداوند عز و جل، محمد و آل محمد علیهم السلام را از نور عظمت خود آفرید و ایشان را به عنوان برگزیدگان و جانشینان خود اختیار فرمود و اگر خمیر مایه این ذوات مقدسه با سایر خلق متفاوت نبود؛ آنان نمی توانستند به عنوان جانشین خداوند مطرح گردند و سمت جای خدا بودن را در میان خلق کسب نمایند.

سلطان سریر ارتضاء حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْأَمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَخِلَافَةُ الرَّسُولِ».^۲

در حقیقت، امامت جانشینی خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله است.

در توضیح این کلام نورانی رضوی باید گفت: تمام عقلاء عالم، پیرو هر مذهب و مکتب و مسلکی باشند، بر این باورند که هر صاحب مقام و منصبی، اعم از مقامات مادی و معنوی؛ اگر بخواهد در موقعیتی که دارد، برای خویش جانشینی برگزیند که در غیاب او امورات مربوطه را اداره کند. طبق حکم عقل، باید جانشین او از هر نظر با وی تناسب داشته باشد؛ تا بتواند در غیاب وی، تمامی کارهای او را رتق و فصل نماید و دچار مشکلی نگردد. به عنوان مثال: قائم مقام رئیس جمهور یک کشور، باید از نظر شعور سیاسی، علم اقتصاد و مدیریت کشور، در حدّی باشد که بتواند در نبود رئیس جمهور، همانند وی، بر جریان اداره کشور نظارت کرده و بر تمامی امور احاطه کامل داشته باشد.

بنابراین، اگر جاهلی، جانشین عالمی گردد. ضعیفی، قائم مقام قوی و قدرتمندی شود. سَفِیهی، جای مُدَبِّر حکیمنی را بگیرد. کوزی، بر مسند قدرت بینایی تکیه زند. بخیلی، به جای جواد و بخشنده‌ای درآید. فرد بی‌رحم و قَسِیُّ القلبی، خلیفه زووف و مهربانی شود. چنین انتخاب و انتصابی مورد انکار تمامی عقلای عالم و عملی غیر معقولانه است.

نکته دیگری که باید بدان توجه داشت این است که وقتی این تناسب در خلیفه رعایت شد، فردی لیاقت خلافت کسی را پیدا کرد. بر رعیت وی لازم است، از خلیفه پیروی کرده و اوامر و دستورات وی را همانند رئیس خود گردن نهند.

در این رهگذر، چون انبیاء و اوصیاء، از مقربین و نزدیک‌ترین افراد به خداوندند حضرت حق، آنان را برای این مقام انتخاب فرموده و طاعت ایشان را در رتبه طاعت خود، بر سایر خلق واجب فرموده:

﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱

خداوند را اطاعت کنید و پیامبر ﷺ و اولوالامر از خود (اوصیای پیامبر ﷺ) را

اطاعت کنید.

و پیامبر ﷺ فرمود:

﴿مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَى عَلِيًّا فَقَدْ عَصَانِي﴾^۲

هر که مرا اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر که مرا نافرمانی کند، خداوند را

نافرمانی کرده و هر که از علی پیروی کند، از من پیروی کرده و هر کس او را

نافرمانی کرد، مرا نافرمانی کرده.

بنابراین، سخن آنها، سخن خداوند و امر و نهی آنان، دستور و نهی خداوند است. برای تقریب جایگاه امامت و خلافت الهی به افق فکر، باید قدری از شئون خداوندی را متذکر شویم تا در این مقایسه، جایگاه امامت نیز اندکی روشن گردد.

ابتداءً باید دانست: جمیع ملائکه، در هر رتبه و مقامی که هستند، جن و انس، تمامی حیوانات، به انواع بی شمارشان، آسمان‌ها و زمین‌های هفت گانه و ساکنین آنها، تماماً رعیّت خدا و از او فرمانبرداری می‌کنند؛ و آنها همگی تحت امر خلیفه خداوندند.

چنان که رسول خدا ﷺ در جواب امیرالمؤمنین (علیه السلام) که از وی پرسید: ای رسول خدا! شما بهترید یا جبرئیل؟ فرمود: ای علی! خداوند تبارک و تعالی، پیامبران مرسل خود را بر تمام ملائکه مقربین برتری و از بین آنها، مرا بر تمام پیامبران و فرستادگان خویش، فضیلت داده است و فضل و برتری بعد از من از آن تو و ائمه بعد از توست و در حقیقت، ملائکه خادمان ما و دوستان ما هستند ای علی! آن گروه از ملائکه که عرش خداوند را بر دوش کشیده، حامل عرش الهی هستند و کسانی که اطراف عرش خدا، به حمد و تسبیح خداوند مشغول هستند! آنان، برای کسانی که به ولایت ما ایمان آورده‌اند، از خداوند استغفار و طلب بخشش می‌کنند.^۱

علی جان! اگر ما نبودیم، خداوند آدم و حواء را نمی‌آفرید! بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی‌کرد! بنابراین، چگونه ما بهتر از ملائکه نباشیم در

حالی که ما بر آنها در شناخت خداوند پیشتازیم...! و این بدیهی است، که عقل و شرع، بر اطاعت از موجود برتر حاکم است. - یکی از شئونات خداوند، احاطه به ذره ذره این عالم است و هیچ چیزی از علم ازلی او پنهان نیست. خداوند در قرآن می فرماید:

﴿عَالِمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۲

خداوند از غیب آگاه است، و به اندازه سنگینی ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر، مگر این که در کتابی آشکار ثبت است.

و امام صادق (علیه السلام) کتاب مبین را به امام آشکار تفسیر فرمود.^۳ و فرمود:

﴿مَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۴
﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾^۵
﴿ثُمَّ قَالَ مُوسَىٰ بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَحْنُ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا اللَّهُ فَوَرَّثَنَا هَذَا الَّذِي فِيهِ كُلُّ شَيْءٍ﴾^۶

خداوند در قرآن می فرماید: هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست، مگر این که در کتاب مبین ثبت است... سپس این کتاب آسمانی را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم.

۱. بحار، ۱۸ / ۳۶۴.
۲. سبأ، ۳.
۳. بحار، ۴ / ۹۱.
۴. نحل، ۷۵.
۵. فاطر، ۳۲.
۶. بحار، ۸۹ / ۸۵.

آنگاه امام کاظم علیه السلام فرمود: ما هستیم آن کسانی که خداوند آنها را انتخاب کرد و ما (اهل بیت علیهم السلام) آن کتابی را که همه علوم در آن جمع شده به ارث برده ایم.

خداوند زنده کرده و می میراند، و جانشین او نیز باید به اذن او چنین قدرتی را دارا باشد. و معجزاتی این چنین، در زندگی تمامی ائمه اطهار علیهم السلام مشهود بوده است.

از شئون خداوندی است که «لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» هیچگاه او را چرت و خواب نمی گیرد. خلیفه او نیز باید حالت خواب و بیداریش یکسان و هیچگاه رابطه اش با خداوند قطع نگردد.

امام باقر علیه السلام فرمود: امام معصوم علیه السلام ده نشانه دارد که از جمله آنها این است که «تَنَامُ عَيْنَاهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ» چشمانش می خوابد، اما هرگز قلبش به خواب نمی رود. و هرگز حالت غشوه بی هوشی یا خواب سنگین به او دست نمی دهد! پشت سر خود را می بیند، همچنان که پیش روی خویش را می بیند. با ملائکه گفت و گو دارد و اخبار از جانب خداوند به او می رسد، تا مدت امامتش تمام شود و از دنیا برود.^۱

این کلام از شیعه و سنی نقل شده: که پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود، که قلب آن حضرت به خواب نمی رفت، هرگاه چشمانش خفته بود. و پی گیری این بحث از حوصله این مقدمه، که تا اینجا نیز به درازا کشیده شده خارج است.

در هر حال، هر کس از ائمه علیهم السلام تعریفی دارد، در واقع از مقدار آگاهی خود خبر داده و نویسنده در شأن نوشته خود چنین نظری دارد و معتقد است

حقیقت وجودی این ذوات مقدسه، فوق تصور ماست و پرندۀ عقل و درک غیر معصوم، بر آشیانۀ معرفت آنها احاطه پیدا نخواهد کرد. بنابراین، از آنچه نوشتیم و پنداشتیم حق مطلب را ادا کرده ایم، استغفار می‌کنیم و بسیاری از این امور را کار شاگردان دست‌چندم این مکتب می‌دانیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَخْشَعُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَيَهَابُهُ كُلُّ شَيْءٍ ثُمَّ قَالَ إِذَا كَانَ مُخْلِصًا لِلَّهِ أَحَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامُّ الْأَرْضِ وَسِبَاعُهَا وَطَيْرُ السَّمَاءِ وَحِثَانُ الْبَحْرِ»

در حقیقت، تمام اشیاء، در برابر انسان مؤمن، ذلیل و خوار و حرف‌شنوند همگی از وی حساب برده و می‌ترسند. سپس فرمود: هر گاه مؤمن، در ایمان و عملش خالص بود، خداوند ترس او را در دل هر چیزی قرار داده، حتی جنبندگان زمین و درندگان و پرندگان آسمان و ماهیان دریا از وی می‌هرسانند.

قم المقدسه

حبیب الله تقیان

بهار ۱۳۸۸